نگاه

مسیر «مقتدی»

فاروق نجم‌الدین
کارشناس ارشد علوم ارتباطات

● نتایج انتخابات عراق برای بسیاری از گروه‌های مشارکت‌کننده در روند سیاسی آن کشور غافلگیرکننده بود، اما نمی‌توان گفت این نتایج پیش‌بینی‌شدنی نبود. بیشترین کرسی‌های مجلس از آنِ ائتلافی شد که در آن نیروی موسوم به جریان مقتدی صدر در کنار حزب کمونیست عراق و مجموعه‌ای از نیروهای ملی‌گرا قرار گرفته است؛ ائتلافی که مهم‌ترین شاخصه آن عبور از گفتمان فرقه‌گرا بوده و بیش از هر چیز بر گفتمان تکنوکرات‌محور تکیه می‌کند. هیچ‌یک از انتخابات‌های گذشته عراق چنین رویکردی را بر کرسی ننشانده بود. رأی‌دهنده عراقی در گذشته همه اولویت‌های خود را حمایت از فرقه و گروهی قرار می‌داد که تعلقی قومیتی یا مذهبی به آن داشت؛ دلیل این روند بیش از هر چیز به سیاستی بازمی‌گردد که در نیم‌سده گذشته حاکم بود و دو مؤلفه مهم جمعیت این کشور یعنی شیعه‌ها و کردها را به حاشیه می‌راند. کشاکش فرقه‌ای پس از سقوط صدام نیز این روند را تقویت کرد. این گفتمان به‌ویژه زمانی به اوج رسید که چندین استان کشور به تصرف نیروهای تکفیری داعش درآمد؛ اما به‌تدریج برای شهروندان عراقی معلوم شد که گفتمان فرقه‌گرا نه‌تنها راه‌حل مناسبی برای حمایت از تعلقات قومیتی و مذهبی محسوب نمی‌شود، بلکه این گفتمان، یکی از مهم‌ترین عوامل دامن‌زدن به این نوع از مخاصمات است. ناکارآمدی این گفتمان به‌ویژه زمانی آشکار شد که فساد اداری، داد تمام شهروندان عراقی چه شیعی، چه سنی و چه کرد را درآورد، به‌گونه‌ای که نفرت از احزاب سیاسی، به گرایشی همه‌گیر تبدیل شد. اگر به نام تشکل‌هایی که در پنج، شش سال گذشته پا به عرصه سیاست گذاشته‌اند، نگاهی بیندازیم، به‌سادگی خواهیم فهمید که ذائقه سیاسی رأی‌دهنده عراقی در این مدت به کدام سو تغییر جهت داده است؛ برای مثال، آقای عمار حکیم و جمعی از اعضای برجسته تشکل سابق «مجلس اعلای اسلامی عراق»، تشکل جدیدی به نام «حکمت ملی» را سازمان دادند تا رویکردهای جدیدی را ترویج داده باشند. هیچ‌یک از ده‌ها ائتلاف سنی، شیعه و کرد که در انتخابات سال جاری مشارکت کردند، از پسوند نام اسلامی یا مذهبی استفاده نکرده‌اند. این در حالی است که در دوران پس از سقوط صدام، بیشتر گروه‌های سیاسی از چنین پسوندهایی استفاده می‌کردند. در آن دوره حزب الدعوه اسلامی، مجلس اعلای اسلامی، حزب فضیلت اسلامی، گروه المهدی (جریان مقتدی صدر) در طیف احزاب شیعی و حزب اسلامی عراق، مجمع علمای اسلامی و... در طیف سنی، از فعال‌ترین گروه‌های سیاسی محسوب می‌شدند. البته کردها به دلایلی وضعیت متفاوتی داشتند؛ اما درحال‌حاضر از آن نام‌ها، جز سایه‌ای کم‌رنگ، یادی در اذهان نمانده و جای آنها را تشکل‌هایی مانند ائتلاف دولت قانون، ائتلاف نصر، ائتلاف فتح، ائتلاف سائرون (پیشگامان)، میهن‌پرستان و... گرفته است. از این منظر اگر نگاه کنیم درخواهیم یافت که ائتلاف «سائرون» بیش از دیگران موقعیت را درک کرده و شعارهای جدیدی را در جامعه مطرح ساخته که تناسب بیشتری با نیازهای مرحله‌ای عراق دارد. این نوع از گفتمان به ائتلاف «سائرون» فرصت داد تا یارگیری خود را براساس همین شعارها تنظیم کند. در همین زمینه نیز باید به درایت مرجع بزرگ شیعه، آیت‌الله سیستانی، آفرین گفت. ایشان، در بیانیه خود مشخصا روی حق رأی‌دهنده برای مشارکت یا عدم مشارکت در انتخابات تأکید کردند، بدون آنکه هیچ تکلیف شرعی‌ای را برای شهروندان تعیین کنند. مهم‌تر اینکه ایشان به‌هیچ‌وجه حاضر نشدند بر ناکارآمدی احزاب حاکم در طول ۱۲ سال گذشته صحه بگذارند یا حتی اندکی عملکرد آنان را توجیه کنند؛ برعکس، ایشان با قاطعیت هرچه‌تمام‌تر اما بدون ذکر نام، گفتند برگزیدن رویکردهای آزموده‌شده، قطعا برای آینده عراق زیان‌بار است. نتایج انتخابات تا این لحظه هرچند از پیشی‌گرفتن ائتلاف «سائرون» نسبت به ائتلاف فتح به رهبری هادی العامری، ائتلاف نصر به رهبری حیدر العبادی و ائتلاف دوله القانون به رهبری مالکی حکایت دارد، اما درهرصورت، مقتدی صدر و هم‌پیمانانش فقط به یک برتری نسبی و نه مطلق دست یافته‌اند، بنابراین باید به ائتلاف‌هایی چشم دوخت که پس از نهایی‌شدن نتایج انتخابات شکل خواهند گرفت، آیا این‌بار برخلاف چهار انتخابات گذشته، «دولت اکثریت» متشکل از گروه‌های پیروز تشکیل خواهد شد یا اینکه به‌ناچار، رویه تشکیل «دولت‌های توافقی» دوباره دنبال خواهد شد؟ آیا سه گروه سنتی نصر، فتح و دوله القانون که نتوانسته بودند فهرست واحدی در انتخابات ارائه دهند، خواهند توانست مجددا ائتلاف خود را با لابی‌گری‌های بازیگران سیاست داخلی و خارجی برقرار کنند یا اینکه ائتلافی جدید و دولتی جدید را پدید خواهند آورد؟ به نظر می‌رسد ائتلاف «سائرون» اگر بخواهد شعارهای خود را جامه عمل بپوشاند، باید به‌دنبال متحدانی بگردد که تشکیل یک دولت تکنوکرات را امکان‌پذیر کند. شاید بهترین گزینه برای او ائتلاف با گروه نصر به رهبری حیدر العبادی باشد، اما مشروط بر اینکه طرفین توافق کنند پست نخست‌وزیری را به یک چهره جدید تکنوکرات بسپارند. این البته تنها گزینه ائتلافی ممکن محسوب نمی‌شود و گزینه‌های دیگری نیز مطرح است. به نظر می‌رسد مقتدی صدر در شرایط فعلی، همکاری دیگر گروه‌ها را امری لازم برای تحقق شعارهایش می‌داند.

سیاست چماق و هویج در مذاکرات اقتصادی چین و آمریکا

جنگ تجاری بر سر پیونگ‌یانگ

عکس: Reuters

سیاست دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا در قبال چین مانند دیگر رفتارهای او تا حدی متناقض و پیش‌بینی‌ناپذیر بوده است. او که در فعالیت‌های انتخاباتی‌اش به شدت از سیاست‌های تجاری پکن در قبال واشنگتن انتقاد می‌کرد، در ادامه لب به تمجید از شی جین پینگ، همتای چینی خود پرداخت. با این حال، به نظر می‌رسد بعد از آنکه در سند امنیت ملی جدید آمریکا از چین در کنار روسیه به‌عنوان رقبای استراتژیک آمریکا یاد شد، تقابل میان واشنگتن و پکن رنگ‌وبوی جدی به خود گرفت. در ادامه نیز این تقابل با افزایش تعرفه کالاهای وارداتی از چین به سمت یک جنگ تجاری پیش رفت. پکن نیز در اقدامی تلافی‌جویانه اقدام به افزایش تعرفه‌های گمرکی کالاهای آمریکایی کرد. هرچند در هفته‌های اخیر دو طرف برای کاهش این تنش چندین‌بار پای میز مذاکره نشسته‌اند اما نباید فراموش کرد که در این تقابل مسائلی فراتر از یک جنگ تجاری در میان است.

روز گذشته اخباری مبنی بر توافق طرف‌های چینی و آمریکایی بر سر افزایش صادرات آمریکا به چین تا حدود ۲۰۰ میلیارد دلار در سال‌های آتی شنیده شد؛ هرچند هنوز بر سر این مسئله توافق نهایی صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد در قبال افزایش خرید گاز طبیعی مایع و دیگر کالاهای آمریکایی، چین به دنبال آن است که ترامپ اعمال افزایش تعرفه‌ها از ۵۰ میلیارد به ۱۵۰میلیارد دلار بر کالاهای چینی را لغو کند. به نظر می‌رسد پیشنهاد افزایش واردات از آمریکا با هدف ایجاد موازنه تجاری میان دو کشور صورت می‌گیرد. در واقع این اقدام به معنای بازشدن هرچه بیشتر دروازه‌های بازار چین به‌روی کالاهای آمریکایی است؛ امری که همواره خواست و آرزوی شرکت‌های آمریکایی بوده است. بااین‌حال، گمانه‌زنی‌ها درباره این پیشنهاد چینی‌ها برای جبران کسری تجاری آمریکا با چین در حالی مطرح می‌شود که بنا بر گزارش «سی‌ان‌ان»، لو کانگ، وزیر خارجه چین، پیشنهاد افزایش خرید کالاهای آمریکایی تا سقف ۲۰۰ میلیارد دلار را انکار کرده است. سال گذشته، ارزش کل واردات چین از آمریکا ۱۳۰ میلیادر دلار بوده است و افزایش این میزان تا سقف ۲۰۰ میلیارد دلار تا پایان سال ۲۰۲۰ میلادی، از نظر کارشناسان اقتصادی افزایش چشمگیری است که می‌تواند تبعاتی را برای اقتصاد این کشور به دنبال داشته باشد. بااین‌حال، آمریکایی تاکنون ارزیابی مثبتی از روند مذاکرات داشته‌اند. از نظر جان فریزبی، رئیس شورای تجاری ایالات متحده و چین نیز پیشرفت ایجادشده در مذاکرات به حدی است که بتواند افزایش تعرفه‌ها را برگرداند. هرچند از نظر فریزبی نیز تداوم و تضمین این وضعیت نیازمند انجام مذاکراتی ساختاری درباره تسهیل دسترسی شرکت‌های آمریکایی به بازار چین و همچنین ارتقای مباحث مربوط به مالکیت معنوی است. لری مولوف، مشاور اقتصادی ارشد کاخ سفید نیز در گفت‌وگو با «فکس بیزینس» روند مذاکرات را مثبت توصیف کرده است.

امنیت ملی قربانی تجارت

البته این مذاکرات منتقدان سرسختی نیز در داخل آمریکا دارد. برای مثال، چاک شومر، رهبر اقلیت سنا از ترامپ خواسته تا در برابر وعده چینی‌ها مبنی بر افزایش خرید کالاهای آمریکا، به کاهش تعرفه‌ها تن ندهد. او در توییتی از ترامپ خواسته تا اجازه ندهد که ملعبه دست شی جین پینگ قرار گیرد. اتهام سرقت فناوری که از سوی واشنگتن به پکن وارد می‌شود، یکی دیگر از مناقشات اصلی میان دو طرف را تشکیل می‌دهد. پیش‌تر نیز رفع منع فعالیت شرکت ارتباطات از راه دور چینی ZTE با انتقادهایی در کنگره مواجه شده بود. در ماه آوریل، بعد از آنکه مشخص شد، این شرکت چینی، تجهیزات ارتباطی آمریکایی را به ایران و کره‌شمالی می‌فروخته، وزارت تجارت آمریکا برای مدت هفت سال فعالیت این شرکت در آمریکا را ممنوع اعلام کرد. برخی از نمایندگان کنگره منتقد این هستند که ترامپ بخواهد از ممنوعیت فعالیت این شرکت به‌عنوان اهرمی در مذاکره با چینی‌ها استفاده کند. در همین رابطه ۳۳ سناتور از جمله چاک شومر در نامه‌ای از ترامپ خواسته‌اند تا امنیت ملی آمریکا را وجه‌المصالحه در مذاکرات تجاری با چینی‌ها قرار دهد. به نظر می‌رسد حساسیت کنگره نسبت به فعالیت این شرکت کار ترامپ را برای معامله با چینی در این موضوع دشوار می‌کند.

فارغ از انتقادات کنگره، مذاکره با طرف چینی به محل تنش میان افراد میانه‌رو و تندروهای دولت ترامپ نیز بدل شده است که در این زمینه باید به جدال لفظی میان پیتر ناوارو، مشاور اقتصادی ترامپ و استیون منوچین، وزیر خزانه‌داری آمریکا اشاره کرد؛ امری که در نهایت به حذف نام ناوارو از میان فهرست مقامات آمریکایی‌ای که قرار بود پنجشنبه و جمعه با هیئت چینی دیدار کنند، انجامید. بسیاری از تندروهای دولت ترامپ بر این باورند که منوچین ترامپ را به نرمش در برابر چینی‌ها متقاعد کرده است. از دیگر سو به گزارش «بولتیکو» گفته می‌شود که مقامات چینی به‌واسطه نگارش کتاب «مرگ به دست چینی‌ها»، نگاه مثبتی به ناوارو ندارند. همچنین به‌عنوان نشانه‌ای دیگر از تسهیل روابط تجاری میان این دو اقتصاد برتر جهانی، چین روز جمعه اعلام کرد تعرفه گمرکی نوعی خوراک دام وارداتی از آمریکا را برداشته است. طبق گفته دولت چین این تعرفه‌ها در راستای منافع عمومی نبوده و هزینه‌ها را برای مصرف‌کنندگان افزایش می‌داده است. به نظر می‌رسد نرمش ترامپ در قبال فعالیت مجدد شرکت ZTE باعث شد تا چینی‌ها نیز پالس مثبتی به واشنگتن ارسال کنند. باوجوداین چینی‌ها در این مذاکرات سه خواسته و هدف اصلی را دنبال می‌کنند که این خواسته‌های اصلی عبارت‌اند از عدم افزایش تعرفه کالاهای صادراتی چینی از ۵۰ به ۱۵۰میلیارد دلار، تسهیل صادرات کالاهای آمریکایی که در آنها فناوری‌های پیشرفته به کار گرفته شده و همچنین کاهش موانع سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی در آمریکا.

فاکتور پیونگ یانگ

بااین‌حال به نظر می‌رسد در ورای تمام این لفاظی‌های اقتصادی یک عنصر سیاسی حیاتی نیز در این مذاکرات دخیل است؛ کره‌شمالی. بدون تردید چین به‌عنوان شریک تجاری اصلی کره‌شمالی از نفوذ و تأثیرگذاری بالایی بر رهبری پیونگ یانگ برخوردار است و هرگونه توافق پیونگ یانگ با واشنگتن بدون چراغ سبز پکن دور از انتظار به نظر می‌رسد. همچنین نباید فراموش کرد پکن نیز به نوبه خود درخصوص کره‌شمالی دغدغه‌های امنیتی خود را دارد. هرگونه تغییر در کره‌شمالی به‌عنوان متحد ایدئولوژیک و سیاسی پکن می‌تواند موازنه قدرت در شبه‌جزیره کره را به نفع آمریکا برهم بزند. از آنچه تاکنون گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که واشنگتن و پکن تا این لحظه سیاست چماق و هویج را در قبال یکدیگر در پیش گرفته‌اند؛ از یک سو، یکدیگر را به افزایش تعرفه‌ها تهدید می‌کنند و از دیگر سو، با برداشتن تعرفه‌ها یا وعده فعالیت شرکت‌های ممنوعه، در باغ سبز به یکدیگر نشان می‌دهند. اما آنچه بیش‌ازپیش نقش پیونگ یانگ را در این مذاکرات اقتصادی پررنگ می‌کند، تهدید اخیر کیم جونگ اون به عدم حضور در نشست مشترک با ترامپ در سنگاپور است. نباید فراموش کرد کره‌شمالی کارت برنده‌ای بوده که چین همواره در بازی با آمریکا در آستین خود داشته است. در تحلیل نهایی باید گفت هرگونه توافق تجاری میان چین و آمریکا بدون توافق بر سر آینده برنامه هسته‌ای پیونگ یانگ دور از انتظار به نظر می‌رسد.

خبر

ونزوئلایی‌ها پای صندوق رأی می‌روند

● انتخابات ریاست جمهوری ونزوئلا در حالی قرار است امروز برگزار شود که چالش‌های جدی همچنان پابرجاست و شهروندانی که کشورشان با تحریم‌های آمریکا و هم‌پیمانانش روبه‌رو بوده، همچنان برای بهبود اوضاع چشم به آینده دوخته‌اند. با توجه به اینکه ائتلاف متحد دموکراتیک (ائتلاف اصلی مخالفان دولت) اعلام کرده که در این انتخابات شرکت نمی‌کند، به نظر می‌رسد نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهوری فعلی ونزوئلا، کار آسانی برای پیروزی بر «هنری فاکن» از حزب پیشرفت مترقیانه به عنوان رقیب اصلی، «خاویر برتوچی»، نامزد مستقل و «رینالدو کیخادا»، دیگر نامزد انتخابات، در پیش‌رو داشته باشد ونزوئلایی‌ها ماه‌هاست که با چالش جدی کمبود مواد غذایی، دارو و همچنین تورم بسیار بالا روبه‌رو بوده‌اند. ازجمله دیگر چالش‌های فعلی ونزوئلا سقوط ارزش واحد پولی این کشور و همچنین پیش‌بینی تورم ۱۳ هزار درصدی (براساس اعلام صندوق بین‌المللی پول) در سال ۲۰۱۸ است. گزارش شده که ۷۵ درصد از شهروندان این کشور به‌دلیل دراختیارنداشتن مواد غذایی کافی از کاهش وزن رنج می‌برند و انتظار می‌رود نرخ بی‌کاری در چهار سال آینده به ۳۲ درصد افزایش یابد. نیکلاس واتسون یک تحلیل‌گر مسائل آمریکای لاتین به ان‌بی‌سی گفت: مادورو پیروز این انتخابات خواهد بود. مخالفان در ونزوئلا به‌طورکامل مأیوس و شکسته شده‌اند. حتی آنها مطمئن نیستند که تحریم انتخابات بهترین راه باشد و هنری فالکن که برای داشتن مجوز نامزدی در انتخابات از ائتلاف مخالفان کنار کشید، تأکید کرده که تنها راه ازمیان‌برداشتن رئیس‌جمهوری فعلی شکست او در پای صندوق‌های رأی‌گیری است. ان‌بی‌سی ادامه داد: پیش‌تر آمریکا و اتحادیه اروپا اعلام کرده بودند که انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۸ ونزوئلا را به رسمیت نخواهند شناخت و انتظار می‌رود که دولت دونالد ترامپ درراستای اعمال فشار شدیدتر علیه اقتصاد ونزوئلا، تحریم‌های بیشتری را علیه دولت کاراکاس اعمال کند. روزنامه گاردین نیز در گزارشی تصریح کرد: انتخابات ریاست‌جمهوری ونزوئلا در میان بدترین چالش‌های چند دهه اخیر این کشور برگزار می‌شود. این چالش‌ها باعث شده که شدیدترین بحران مهاجرتی تاریخ آمریکای لاتین رقم بخورد. نیکلاس مادورو از مردم این کشور خواسته به او رأی دهند تا برای شش سال دیگر هدایت این کشور بحران‌زده را بر عهده بگیرد.

چندین فعال زن عربستانی بازداشت شدند

بهای رویارویی با ولیعهد

تنها چند هفته پیش از رفع ممنوعیت دیرینه رانندگی زنان عربستانی، چندین فعال برجسته حقوق زنان در این کشور بازداشت شدند. روز گذشته دیده‌بان حقوق بشر در بیانیه‌ای اعلام کرد از ۱۵ می، هفت فعال زن عربستانی بازداشت شده‌اند. آن‌طور که این سازمان حقوق‌بشری گزارش داده، این فعالان زن از مخالفان ممنوعیت رانندگی زنان در عربستان و سرپرستی مردان بر زنان بودند.

سارا لی ویتسون، مدیر دیده‌بان حقوق بشر خاورمیانه، می‌گوید: «کمپین اصلاحات محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، هراس جنون‌آمیزی برای اصلاح‌طلبان واقعی سعودی به دنبال داشته است؛ کسانی که جرئت این را دارند که علنا از حقوق بشر و توانمندسازی زنان حمایت کنند». به گفته ویتسون: «پیام روشن است؛ هرکس درباره برنامه حقوق‌بشری ولیعهد ابراز تردید کند، مدتی را در زندان سپری خواهد کرد».

مدیر دیده‌بان حقوق بشر خاورمیانه گفته است به نظر می‌رسد تنها جرم این فعالان زن، درخواست برای رانندگی زنان پیش از آن است که محمد بن‌سلمان دستور این رفع ممنوعیت را صادر کند. بسیاری از سازمان‌های حقوق‌بشری با محکوم‌کردن این بازداشت‌ها، از پادشاهی عربستان سعودی خواسته‌اند فورا این فعالان زن را آزاد کنند.

به گزارش الجزیره، یکی از بازداشت‌شده‌ها ایمان النفجان، بلاگر محبوب سعودی و استاد دانشگاه است و یکی دیگر از آنها، لجین الهذلول، فعال حقوق زنان ۲۸ساله عربستانی که پیش‌تر به دلیل تلاش برای رانندگی از امارات به عربستان سعودی، ۷۵ روز در زندان بود. عزیزه الیوسف، فعال زنان ۶۰ساله عربستانی که مادر پنج فرزند است نیز در میان بازداشت‌شدگان است. عایشه المانع که در سال ۱۹۹۰ تظاهراتی مهم را علیه ممنوعیت رانندگی در عربستان به راه انداخت، نیز در روزهای اخیر بازداشت شده است.

دلیل این بازداشت‌ها روشن نیست، ولی کنشگران می‌گویند مقام‌های سعودی در تلاش‌اند این زنان را ساکت کنند. بر اساس شواهدی که به دست دیده‌بان حقوق بشر رسیده، این زنان مدعی شده‌اند سال گذشته و هم‌زمان با تصمیم پادشاهی عربستان سعودی برای اعلام خبر رفع ممنوعیت دیرینه رانندگی زنان در این کشور، دادگاه سلطنتی از این فعالان زن خواسته بود با رسانه‌ها گفت‌وگو نکنند. یکی از زنانی که از دولت با او تماس گرفته بودند، به‌تازگی در گفت‌وگویی گفته بود: «به ما گفتند صحبت نکنید. نمی‌خواهیم نه اظهارنظر مثبتی داشته باشید و نه منفی. مصاحبه نکنید».

به گفته یکی از فعالان زن عربستانی، فعالان زنی که بازداشت شده‌اند، پیش‌تر دولت را تحت فشار قرار داده بودند و دولت هنوز از دست آنها عصبانی است؛ حتی حالا که به زنان اجازه داده‌اند رانندگی کنند. در این میان، شبکه تلویزیونی خبری دولتی در عربستان گزارش داده است این زنان به دلیل تماس‌هایشان با یک کشور خارجی دستگیر شده‌اند. عربستان سعودی قوانین بسیار سخت‌گیرانه‌ای برای زنان دارد که طبق آن، زنان برای تصمیم‌ها و اقدام‌های مختلف خود باید اجازه شوهر یا یک قیم مرد را داشته باشند. حکومت سعودی در سپتامبر سال گذشته اعلام کرد منع رانندگی برای زنان را لغو می‌کند. از ۲۴ ژوئن زنان اجازه خواهند داشت برای اولین‌بار در این پادشاهی رانندگی کنند.

روز گذشته در حالی خبر بازداشت فعالان زن عربستانی منتشر شد که یک روز پیش از آن، مرکز حقوق بشر خلیج‌فارس اعلام کرد چندین مدافع حقوق بشر بازداشت شده‌اند. به گفته این مرکز الهذلول از زمان دستگیری نتوانسته با خانواده یا وکیل خود تماس بگیرد؛ درحالی‌که النفجان از زمان بازداشت، یک بار با خانواده‌اش تماس گرفته است.

با وجود اصلاحات محمد بن‌سلمان برای افزایش اشتغال زنان و برخی آزادی‌های محدود، عربستان سعودی همچنان یکی از بیشترین محدودیت‌ها علیه زنان را در جهان اعمال می‌کند.

رفع ممنوعیت رانندگی زنان ازجمله اصلاحاتی بوده که محمد بن‌سلمان، ولیعهد ۳۲ساله عربستان، پیش برده است. او همچنین برنامه «چشم‌انداز ۲۰۳۰» را جلو برده است که هدف آن متنوع‌کردن اقتصاد سعودی و بازکردن جامعه اعلام شده است. بااین‌حال، تحت نظام سرپرستی عربستان، یکی از اعضای مرد هر خانواده- معمولا پدر، شوهر یا برادر- باید اجازه تحصیل، سفر و دیگر فعالیت‌های زنان را صادر کند. فعالان عربستانی می‌گویند مسئله سرپرستی مهم‌ترین و مرکزی‌ترین محور مبارزات زنان است. از سال ۲۰۱۱، حدود ۳۰ فعال بازداشت و در دادگاه‌های عربستان سعودی محکوم شده‌اند که محکومیت بسیاری از آنها، بالای ۱۵ سال زندان است. این تغییرات با ماجراهای دیگری نیز همراه شده است؛ در ماه نوامبر سال گذشته، حدود ۳۰۰ نفر، ازجمله ده‌ها شاهزاده عالی‌رتبه، بازرگان و وزرای فعلی و سابق در جریان آنچه کارزار مبارزه با فساد اعلام شد، بازداشت شدند و برای مدتی طولانی در یک هتل مجلل زندانی بودند. بیشتر آنها پس از آنکه قبول کردند در ازای آزادی خود بخشی از دارایی‌شان را تسلیم کنند، آزاد شدند.